



جلد سیوم کتاب مسیر طالبی فی بلاد افرنجی، آغاز سفر معاودت تا در کلکته از راه خشکی.

من از مدتی در صدد معاودت به وطن از راه ملک «فرانس» و خشکی  
آغاز سفر و معاودت

بودم. در این وقت قایم یافته، چنانچه گذشت، بعد دو سال و پنج ماه و پانزده روز توقف در لندن، دهم ماه صفر سنه ۱۲۱۷ هجری، مطابق هفتم ماه جون سنه ۱۸۰۲ عیسوی، وداع دوستان کرده روانه شهر «پرس» شدم. مقصودم آنکه بعد سیر دارالملك و بعضی بلاد «فرانس» به «ویانه»<sup>۱</sup>، دارالملك «جرمن»<sup>۲</sup>، و وسط ملك «انگری»<sup>۳</sup>، متعلقه «جرمن»<sup>۴</sup>، گذشته تمام راه تا قسطنطنیه به خشکی روم.

آخر آن روز، که در حقیقت آخر لذت طعام و شراب و صفای زندگی نیز بود، به شهر «دور»<sup>۵</sup>، هفتاد میلی لندن، ورود افتاد. و اهل «دور»، با آنکه از «انگلش» هستند، اکثر از آن زبان بیگانه اند، و طبخ طعام و سایر امورشان بر طریق «فرانس» است و اکثر دغا باز. صاحب مسافرخانه سه چهار برابر لندن کرایه و زر طعام گرفت. و راهداران گماشته لندن - که به اقتضای سرحد، کسب خلق سگیت کرده اند - بی حجت و دلیل، زری از من ستاندند. من که به زبان فرانس آشنا بودم در کار خود درماندم. از اتفاقات «مستر نیل» نام، مردی از انگریزان امریکا، به غایت نیکو خصال، خدمتگزار، در «کوچ» شریک و به جهت استخلاص جهاز خود، که يك سال قبل به دست «فرانس» اسیر شده، عازم «پرس» بود، بر عجز من پی برده تمام راه ترجمان و متکفل خرج من شد. در

شهر «پرس» به هزار سماجت آن زر را به او رد کردم. روز دوم در عرصه شش ساعت از بحری که مابین «انگلند» و «فرانس» است، عبور کرده در شهر «کلس»، بر ساحل «فرانس»، مقام کردیم. نصف شب به سواری «کوچ» سنگین، که «دلیجان» نامند و چون عرابه‌های گاوی هند ثقیل - حرکت می‌باشد، در عرصه دو روز و سه شب، روز شنبه چهارم ماه مذکوره وارد «پرس» شدیم.

## ذکر اوضاع زمین فرانس و دارالملک پرس و رسوم و عادات اهل آن